

بررسی تحولات نظام اداری عصر امویان

علی اکبر ارجمند منش

دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

aliakbar2030.ar@gmail.com

دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول)

e.khorasaniparizi@gmail.com

دکتر ایرج جلالی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

jalali_i@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۴ پاییز ۱۴۰۳ صفحه ۱-۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف و موضوع "بررسی تحولات نظام اداری صدراسلام در عصر اموی" صورت پذیرفته است. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از اسناد، منابع و متون کتابخانه‌ای به انجام رسیده، به این سوال که "نظام اداری صدر اسلام در عصر اموی چه تحولاتی در بر داشته است؟" پاسخ گفته است. حسب نتایج حاصله، نظام اداری اسلام منطبق با مبانی بینشی و رفتاری پیامبر اسلام (ص) تشکیل و در عصر خلفای راشدین توسعه و در عصر اموی همراه با فراز و نشیب‌هایی تکامل یافت. حاکمیت بنی امیه با شروع خلافت معاویه در سال ۴۱ هـ ق آغاز و در سال ۱۳۲ هـ ق با ضعف محسوس نظام اداری و اجرایی مروان بن محمد به پایان رسید. مهمترین تحولات اداری دوران اموی در بردارنده مسائلی همچون تشکیل دیوان‌های حاجب، محتسب، خراج دمشق، دگرگونی قضایی و همچنین ایجاد نظام وراثتی و سلطنتی، ولایت عهدی‌های دو نفره، یکسان سازی زبان و مسکوکات و جنبش تعریب بود. این نظام در دوره امویان با توجه به گستردگی جغرافیایی، ضرورت‌های ساختاری، اثرگذاری دبیران و صاحب منصبان ایرانی و بعضاً رومی پیشرفته تر و منسجم تر گردید.

واژگان کلیدی: نظام، اداری، ساختار، حاکمیت، امویان، سلطنتی

مقدمه

نظام اداری در هر مملکتی قادر است اساس تکامل و پیشرفت ها یا احیاناً عقب ماندگی ها و توقف ها در مصداق ها و بسترهای مختلف زندگی آحاد جامعه را نمایان گر باشد. این نظام تأثیر قابلی در انضباط بخشی واحدها و سازمان های متعدد، جهت حصول به آمال و آرزوهای جمعی مردم دارد. حصول انضباط در افعال و فعالیت ها، زمینه ساز پاسخ گویی به مشکلات و همچنین احتیاجات ملت خواهد بود. تحقیقات صورت گرفته حاکیست ممالک متمدن همواره تحولات اصلاحی خود را از نظام اداری مربوطه آغاز کرده اند. در واقع سلامت نظام اداری مملکت به عنوان رکنی حائز اهمیت ضامن سلامت دیگر واحدهای حاکمیتی است. بدیهی است برای آگاهی یافتن از کمیت و به خصوص کیفیت تأثیر بخشی نظام اداری جوامع در اعصار هدف، بررسی گردش تحولات نظام اداری آن جوامع و یا حاکمیت ها، امری ضروری و مسلم است. نظام اداری جوامع و ممالک علاوه بر این که وسیله ای برای بهتر اداره کردن و اعمال حاکمیت حکومت ها بر مردم محسوب می گردد، میتوان آن ها را نهادهایی اجتماعی به شمار آورد که حسب فرهنگ ها، باورها و ارزش های خاص مربوطه، جوامع را تحت هدایت خود قرار می دهند هر چند تا قبل از این نیز بررسی و تحقیقاتی محدود پیرامون عصر برخی از خلفای اموی توسط بعضی از محققین داخلی و یا پژوهشگران عرب زبان خارجی که در بخش منابع و مآخذ معرفی شده اند صورت پذیرفته، لیکن در این مقاله با شمولیت و جامعیتی فراتر به کنکاش و بررسی ساختار اداری و سیر تحولات شکل گیری نظام اداری، کیفیت ایفای نقش نظام های اداری امویان در ابعاد سیاسی، قضایی، اجتماعی، رفاهی، اقتصادی، نظارتی و... بعنوان اهدافی بلند پرداخته شده است. روشن و واضح است، جلب توجه مشتاقان بررسی و مطالعه پیرامون این میراث تاریخی که از صدر اسلام و عصر نبی مکرم اسلام صل الله علیه و آله و سلم آغاز گردید و به تدریج در عصر خلفای راشدین و سپس خلفای اموی توسعه یافته و پیشرفته تر شد، موجبات بیدار شدن حافظه تاریخی ملل مسلمان، در مورد خودکفایی شان، در اداره جامعه، به ویژه در عصر شکوفایی تمدن اسلامی خواهد بود...

اقدامات و ساختار اداری خلفای اموی سفیانی و خلفای اموی مروانی

پس از عصر حاکمیت خلفای راشدین، دوران خلافت خلفای بنی امیه آغاز شد. چهارده نفر از آنان نزدیک به یک قرن از ۴۱-۱۳۲ق برسرزمین های اسلامی حاکمیت کردند. حاکمیت بنی امیه با شروع خلافت معاویه در سال ۴۱ق آغاز شد و در سال ۱۳۲ق با شکست مروان بن محمد (مروان حمار) به پایان رسید. پس از معاویه بن یزید، خلافت امویان به مروانیان منتقل شد. در همین ارتباط

ضمن دو بخش به دوران زمامداری سفیانیان و مروانیان و اقدامات اداری و تحولاتی که در این زمینه صورت پذیرفته، پرداخته خواهد شد.

علی عبدالرزاق مصری در کتاب الاسلام و اصول الحكم، در مورد نظام اداری دوران سفیانی و مروانی به شرح زیر اشاره می‌کند: "خلفای اموی، بر خلاف خلفای راشدین، نظام اداری را به شکل متمرکز و مستبدانه‌ای اداره می‌کردند. و به طور فزاینده‌ای از مردم غافل بود. با عبور زمان، این سیاست نادرست منجر به سرکوب و خشونت در برابر مردم شد که در نهایت منجر به سقوط این حکومت گردید. (علی عبدالرزاق، ۱۹۲۵: ص ۱۰۹).

معاویه نخستین کسی بود که دیوان خاتم (اداره مهنداری) را برقرار کرد. منصب حاجب را ایجاد نمود. وی دیوان خراج دمشق را تاسیس و نخستین کسی بود که نظام سلطنتی و وراثتی را پدید آورد. عبدالملک بن مروان نخستین خلیفه‌ای بود که دیوان را از فارسی به عربی برگرداند. همچنین تأسیساتی پدید آمد که عیار مسکوکات سراسر قلمرو اسلامی را یکسان گرداند. و دارالضرب‌های گوناگونی تأسیس شد.

در دوره عمر بن عبدالعزیز در دستگاه اداری اصلاحات و تغییراتی حادث گردید و دیوان محتسب نیز احیاء شد. از اقدامات اداری هشام بن عبدالملک بکارگیری دبیران مجرب از خاندان‌های دبیر پیشه نظیر معاویه عبدالله یساربن اشعری و اسحاق بن مسلم بن عقیلی بود. دوره ولید بن یزید دستگاه اداری دچار ضعف گردید. ولید از خاندان قتیبه بن مسلم باهلی که از دودمان‌های متنفذ دوران اموی به شمار می‌آمد، استفاده کرد. نهاد حسبه (تعییرات) که در صدر اسلام برای اجرای امور حسبه تأسیس شده بود در دوره مروان بن محمد دامنه فعالیت‌های آن به تدریج گسترش یافت. دیوانسالاری به عنوان یکی از نیازمندیهای استمرار ساختار سیاسی حکومت، در تثبیت اقتدار خلافت اموی نقش تاثیر بخشی داشته است. نظام اداری و تشکیلات دیوانی بر ساختار سیاسی تأثیر گذار و ارتباط متقابل با یکدیگر داشتند. در دوران قدرت یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش‌های مختلف ممالک فتح شده، دیوانسالاری گسترش یافت. با پیدایش نظام اداری در دوره اموی و تداوم قدرت بنی امیه تا حدود یک قرن و نیز با توجه به تکامل این نظام اداری در دوره بعد از امویان، تحولاتی در امور اداری و دیوانی صورت پذیرفت. با این حال در ادامه تکامل، تشکیلات دیوانسالاری خاندان اموی با موانعی روبرو شد که با فروپاشی این خاندان و روی کار آمدن عباسیان روند تحولات دیگری آغاز گردید. در ذیل بخشی از فعالیتهای اداری و حاکمیتی معاویه از قول برخی تاریخ نگاران برجسته، بعنوان پشتوانه ادعاهای فوق، مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

پس از شهادت امام علی (علیه السلام)، مردم شام در بیت المقدس با معاویه به عنوان خلیفه بیعت کردند و او را امیرالمؤمنین نامیدند (ابن قتیبه، ۱۳۷۳: ص ۱۶۳؛ طبری، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۶۱). با استقرار نظام اموی حکومت اسلامی که پیشتر جنبه دینی داشت به تدریج به حکومت سلطنتی تبدیل شد و معاویه برای نخستین بار به تقلید از پادشاهان بساط پادشاهی گسترده و اعلام کرد که: «من نخستین پادشاه عرب هستم (یعقوبی، ۱۳۹۲: ص ۳۲۳). با استقرار معاویه بر تخت فرمانروایی اسلام، دوران خلفای راشدین به پایان رسید (آبروی، ص ۱۲۳-۱۲۲) خود او نیز تصریح کرد که خلافت را نه با رضایت بلکه با زور به دست آورده است (ابن عبدربه، ۱۳۷۱، ج ۴: ص ۷۶-۷۵).

هدف اصلی معاویه، همچنان که در اولین نطق خلافتش ابراز کرد، تبدیل خلافت به سلطنت بود (ابن عساکر، ۱۳۷۹، ج ۵۹، ۱۷۷ و ۱۵۱) هرچند که حذف عناوین خلیفه و امیرالمؤمنین را به صلاح خود ندید (یعقوبی، ۱۳۹۲، ج ۲).

وزارت: در ایران باستان، وزیر یا وزیر اعظم کسی بود که در تشکیلات حکومتی در مرکز ارتباط همه طبقات با شاه قرار داشت و از طبقات اصلی سازمان اداری و اجتماعی کشور در تشکیلات حکومت و یا همان تشکیلاتی که بزرگفرماندار یا وزیر بزرگ را در صدر خود داشت -شمرده می شد.

در دوره ی معاویه این نهاد بالاترین مقام پس از خلیفه به شمار می رفت. در این عصر، واژه وزیر و وزارت کاربرد نداشت. (طوقش، ۱۳۸۰: ص ۲۲)

حجاب: اساساً منصبی نظامی بود و حاجبان اغلب از میان موالی و غلامانی انتخاب می شدند که لیاقت و شجاعت خویش را به اثبات رسانده، اعتماد حاکم را جلب کرده بودند. جایگاه اداری حاجب در دوره ی معاویه و پیش از ایجاد منصب وزارت، همسنگ کاتب بود. (ابن درید، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۶۳). بنابراین، ابن درید در این روایت تأکید دارد که عنوان حاجب که پیش از ظهور منصب وزارت همسنگ کاتب بود، در دوران معاویه برای شخصی تعیین شده بود که همتای کاتب بوده و در امور مختلف مورد اعتماد خلیفه بوده است و بر مراقبت و نظارت ها، خلیفه را مورد استعانت قرار می داده است.

تغییر و دگرگونی قضایی: تغییراتی قضایی که در این دوره اتفاق افتاد، با هدف افزایش قدرت مرکزی حکومت بود. در عصر معاویه اصل مهم استقلال قضایی مخدوش شد و دیگر قوا بویژه قوه مجریه مداخلاتی رسمی حتی در انتصابات قضایی از خود بروز می دادند. در عصر خلفای راشدین، قاضی می توانست بالاترین مقام های حکومتی را پای میز محاکمه بکشاند. اما در دوره سلطنت معاویه این اصل زیر پا گذاشته شد (برزگر، ۱۳۸۶: ص ۹۲).

دیوان الخاتم: معاویه دیوان الخاتم یا دیوان مهر را هم تأسیس کرد؛ در آنجا نسخه‌ای از هر نامه یا سندی تهیه و نگهداری می‌شد و در عین حال، اصل آن بازبینی شده، مهر می‌گردید و ارسال می‌شد. این دیوان برای نظارت بر اسناد و جلوگیری از جعل آن‌ها تأسیس گردید (ثعالبی، ۱۹۶۳: ص ۲۹۵).
بیعت: بیعت امری الزامی بود. زمانی که معاویه وارد کوفه شد، اعلام کرد کسی که با وی بیعت نکند از هیچ امنیتی برخوردار نیست. او برای بیعت سه روز مهلت داد. (جعفریان، ۱۳۷۲: ص ۱۹۹).

نظام اداری در دوره یزید بن معاویه

یزید بن معاویه طی سه سال و اندی حکومت، بیت الله الحرام، مدینه منوره و اهل بیت رسول الله از جمله حسین بن علی (ع) سومین پیشوای شیعیان را مورد حمله، تاخت و تاز قرار داده یا از دم تیغ گذراند.

عمق فاجعه حاکمیت یزید بن معاویه تا وقتی که در واقع نایب خلیفه، خلیفه شد. (سال ۶۰) روشن نشد. وی علاوه بر زیرپا نهادن ارزشهای اسلامی، تمام مخالفتها را نیز با خشونت سبانه سرکوب کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۴۶۲-۴۶۱) اهالی مدینه را پس از سرکوب قیامشان، واداشتند تا یکی از دو گزینه مرگ یا بیعت به عنوان برده‌ای که جان و مالش در اختیار خلیفه است، را انتخاب کنند (ابن قتیبه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۱۴؛ یعقوبی، ج ۲: ۲۵۰). برای سرکوب زبیریان، کعبه را آتش زدند (طبری، ۱۳۷۴، ج ۵: ۴۹۹-۴۹۸).

یزید وارث نظام سیاسی و اداری دوران زمامداری معاویه بود. در واقع از نظر ماهیت، حاکمیت یزید تداوم نظام سلطنتی - استبدادی معاویه بود.

-تقسیم دیوان جیش: در دوران یزید دیوان جیش به دو مجلس تقسیم می‌شد که یکی مجلس تقدیر و دیگری مجلس مقابله نام داشت (جهشیاری، ۱۳۵۷: ص ۲۷۷). وظیفه ی مجلس تقدیر ارزیابی سپاه، تعیین میزان حقوق و اعطای به موقع آن بود و مجلس مقابله هم وظیفه ی بازرسی اسناد و کنترل اسامی سپاهیان و انبار اسلحه و خواروبار و... را برعهده داشت (قدامه، : ص ۱۸).

نظام اداری دوره معاویه بن یزید (معاویه دوم)

معاویه بن یزید ایام محدودی پس از اخذ بیعت از مردم، از ادامه حضور در منصب خلافت منصرف گردید، انزوا پیشه ساخت و بعد سه ماه نیز دار فانی را وداع گفت. ایشان در محدود زمان قبل از فوت تصمیم گرفت جهت تداوم خلافت خاندان اموی هم چون عمر ابن خطاب شورایی برگزیند که توفیق نیافت. همچنین جهت بروز تغییر در نظام اداری مربوطه نیز مهلت پیدا ننمود.

مُعَاوِيَةُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ، بعد از مدت کوتاهی کناره گرفت و وفات یافت. برخی از منابع آن را چهل روز دانسته‌اند. به اتفاق همه روایات تاریخی، او برعهده گرفتن خلافت را خوش نداشت و از آن بی‌زار بود. درباره علت این موضوع گزارش‌های تاریخی اختلاف دارند (طوقش، ۱۳۸۰: ص ۵۳).

نظام اداری مروانیان

دوران یازده خلیفه مروانی یا امویان دوم تا سال ۱۳۲ هجری ادامه داشت، به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی پرننگی که در آن زمان بود، یکی از دوران‌های پر بحران تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. در این دوران، شاهد جنگ‌های بسیار، شورش‌های مردمی و انحراف از سیره رسول الله (ص) بوده ایم. نظام اداری دوران امویان دوم نیز در همین راستا به بی‌ثباتی و اختلال پذیری بالایی دچار بود. خلافت مروانیان از سال ۶۴ آغاز شد و تا سال ۱۳۲ تداوم یافت. مروانیان میراث سفیانی خلافت را نه فقط در رویکرد سلطنت‌مآبانه آن تداوم بخشیدند بلکه در ارتقای بیش از پیش مقام معنوی خلیفه کوشیدند (قلقشندی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۲۷۸). مروان بن حکم بن ابی‌العاص (۶۴-۶۵ ه.ق) با نام مروان اول شناخته می‌شود. وی معروف به ابن طرید و مشهور به خیط باطل بود. (ابن اعثم الکوفی، ۱۳۷۲: ص ۴۴۳)

مروان با هواداران کلبی رو به دمشق نهاد و ضحاک بن قیس به مقابله با او پرداخت در مرج راهط (سمت شرقی غوطه دمشق) بین این دوتیره جنگی درگرفت که پس از ۲۱ روز به سود کلبیان پایان یافت و مروان خلیفه شد. از این رو اختلاف قیسی و یمانی در سراسر قلمرو اموی گسترش یافت. خون‌های ریخته شده خواستار انتقام بود و کینه‌های قدیمی ریشه دارتر شد. (ابن عبدالبر، ۱۳۹۹: ص ۴۴۱).

ولایت عهدی دونفره: خلفای اموی اقدام به انتخاب ولایت عهدی دو نفره کردند. این شیوه زمینه رقابت در میان خاندان بنی امیه را تدارک دید و آنان را به بغض و کینه توزی علیه یکدیگر سوق داد. این موجبات کینه توزی و اختلافات بعدی و بعضاً بر باد رفتن سرباهی را فراهم می‌آورد. مروان بن حکم این سنت را بنا نهاد. وی دو پسر خود را ولیعهد خود کرد. طبق مجمع عمومی "الجایه" مقررگردیده بود، ابتدا خالد بن یزید و سپس عمرو بن سعید، ولیعهد شوند. در نتیجه این اقدام مروان بن حکم عمرو بن سعید بن عاص را علیه عبدالملک بر افروخت (بیگدلی، ۱۳۹۷: ص ۳۵).

اقدامات اداری عبدالملک بن مروان: عبدالملک بن مروان، تحولات و تغییرات مهمی در بحث ساختار و نظام اداری خلافت ایجاد نمود، و در این راستا ضمن تحولات اداری، رنگ و بوی عربی فعالیت‌های رسمی را نیز تشدید کرد. در ادامه به اصلی‌ترین تحولات یاد شده خواهیم پرداخت.

متحول کردن دستگاه اداری

جنبش تعریب (عربی کردن دستگاه اداری): اشتهاار عبدالملک در ایجاد تحولات اداری این است که وی اصلاحات را در دو جهت انجام داد: نخست متحول کردن دستگاه اداری و فعال نمودن آن، دوم عربی نمودن اداره و پول رایج، کاری که تحت عنوان حرکت عربی کردن شناخته شده است. به نظر می رسد که انگیزه او، تاثیر بر فضای سیاسی نا آرام و جنبش های مخالف با حکومت اموی بود که نیروهای آنان را ناکارآمد جلوه گر ساخته بود.

در دوران او تشکیلات اداری به پنج دیوان بزرگ تقسیم شد که عهده دار کارهای حکومتی بودند. این دیوان ها: دیوان خراج، جند، رسائل، خاتم و برید بودند (طوقش، ۱۳۸۰: ص ۱۰۷). تازمان عبدالملک بن مروان در کوفه و بصره دو دیوان وجود داشت: یکی به عربی برای آمار مردم و اعطاهای آنان بود. دیوان دوم نیز به فارسی و برای ثبت اموال به وجود آمده بود. در شام نیز چنین بود، یک دیوان به رومی و دیگری به عربی و تا زمان عبدالملک بن مروان ادامه داشت. (ابن طباطبا، ۱۳۶۰، ۲۳۴) عبدالملک بن مروان نخستین خلیفه ای بود که دیوان را از فارسی به عربی برگرداند (زیدان، ۱۳۷۲: ص ۹۸).

عربی کردن پول: از جمله اقدامات پرهیاهو و تاثیر گذار خلیفه عبدالملک بن مروان در راستای ایجاد تحولات اداری، یکسان سازی نظام پولی در سراسر مناطق تحت حاکمیت خود بود. در همین ارتباط در ذیل مستندات و ارجاعاتی ذکر می گردد: اقدام دیگر عبدالملک تغییر سکه بود. قبل از اسلام قریش وزنهایی داشتند که نقره را با واحدی به نام درهم و طلا را با واحدی به نام دینار وزن می کردند. به همین دلیل سکه های نقره را درهم، و سکه های طلا را دینار می نامیدند که در اصل واحد وزن بودند. به سبب اختلاف موجود در وزن سکه ها، مردم در مبادلات خود، آنها را وزن می کردند (پرگاری و گالسری، ۱۳۹۵: ص ۴۳). عجمان سه نوع درهم بیست، دوازده و ده قیراطی داشتند که در مجموع چهل و دو قیراط می شدند. زمانی که عبدالملک وزن و معیار پولها رامعین نمود، سکه های درهم را به وزن چهارده قیراط ضرب کردند که یک سوم از مجموع این سه درهم بود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۹-۲۰)

عبدالملک دستور دارد سوره توحید و ذکر سوره روم الله را در دو طرف این درهم و دینارها نقش کنند و در کنار سکه سال و ماه ضرب و حک شود. وی به وزن این درهم ها و دینارها توجه داشت که خدشه ای در آن وارد شود ان گاه دستور کار گرفتن پول های جدید را داد و هر متخلفی را تهدید به زدن دردناک و حبس طولانی و سپس قتل نمود (بیهقی، ۱۳۵۰: ص ۴۷۰).

نظام اداری دوره ولید بن عبدالملک (از سال ۸۶ تا ۹۶)

نخستین کسی بود که بیمارستان و مهمان‌خانه ساخت، و نخستین کسی بود که برای کوران و بینوایان و جذامیان مقرری خواروبار برقرار کرد، و نخستین کس بود که خوراک دادن در ماه رمضان را در مساجد مقرر داشت. (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۹۱) در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، موسی بن نصیر با کمک عبدالعزیز، برادر عبدالملک فرمانده سپاه فتوحات در آفریقا شد (بلاذری، ص ۲۸۹).

نظام اداری سلیمان بن عبدالملک

وی از سال ۹۶ تا ۹۹ هجری امر خلافت جامعه اسلامی را بر عهده داشت. (مسعودی ۱۴۱۹، ج ۳: ۳۴۵) او مدتی در زمان حکومت برادرش ولید بن عبدالملک مشاور و وزیر او بود. در هنگام مرگ برادرش در «رملة» شهری که خود آن را در زمان امارتش در فلسطین ساخته بود، مستقر بود (دینوری، ۱۳۸۰: ص ۶۵۷). سلیمان تلاش کرد تا بدهی‌های عمومی را جمع‌آوری کند. او با استفاده از نیروهای اداری خود، به بررسی بدهی‌های عمومی پرداخت و سعی کرد این بدهی‌ها را با استفاده از مالیات‌ها و عوارض پرداخت گردد (طبری ۱۳۵۲، ج ۳: ۶۹۳-۶۹۵).

اقدامات سلیمان بن عبدالملک: پس از این که به قدرت رسید به منظور جلب تمایل عمومی مسلمانان دست به اقداماتی زد. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- برکناری برخی از استانداران. ۲- آزاد سازی برخی از مسلمانان مخالف با حکومت و افزایش مقرری ماهانه افراد.

سلیمان بن عبدالملک شش ایالت جدید را تشکیل داد: ایالت خراسان، ایالت جیحون، ایالت سجستان، ایالت فارس، ایالت مصر و ایالت شام. هر یک از این ایالت‌ها دارای نظامی جدید بوده و برای مدیریت آنها، فرماندارانی منصوب کرده می‌شد که مسئول امور اجرایی و نظامی منطقه بود و در درجه اول امنیت عمومی آن جا را به نام سلطان حفظ می‌کرد. (کلوزنر، ۱۳۸۱: ص ۳۱).

نظام اداری دوره عمر بن عبدالعزیز

عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه اموی، به عنوان یکی از بهترین حکام اموی شناخته می‌شود. برخی از منابع (ابن اثیر) وی را از جمله خلفای راشدین می‌دانند. او در طول دوران حکومت خود، بهبود عملکرد سیستم اداری و توسعه زیرساخت‌های مختلف را به عنوان اولویت خود قرار داده بود. وی شیعیان را مورد تکریم قرار داد و فدک را به فرزندان فاطمه (س) مسترد ساخت و لعن علی (ع) را در مجامع ممنوع ساخت. برخی از اهل سنت از جمله ابن اثیر او را پنجمین خلیفه از خلفای راشدین دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۶: ۳۴۲). پس از تسلط بنی عباس بر بنی امیه، زمانی که قبر بسیاری از خلفای بنی امیه). من جمله یزید بن معاویه، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک و... توسط سپاه فاتح نبش شده و اجساد و استخوان‌های آن‌ها سوزانده شد، آرامگاه عمر بن عبدالعزیز دست نخورده

باقی ماند و کسی متعرض آن نشد که دلیل آن به حسن شهرت وی در میان مردم بازمی گردد. (مسعودی، ۱۴۱۴: ص ۳۴۵).

نظام اداری دوره یزید بن عبدالملک

یزید بن عبدالملک، نهمین خلیفه اموی، در طول دوران حکومت خود مثنی عادلانه محور عمر بن عبدالعزیز را کنار گذارد، کارکنان اجرایی تاثیر بخش خلیفه قبل را برکنار نموده و افرادی خشن و سخت دل را برای جمع آوری حداکثر مالیات برگزید.

وی در سال ۱۰۱ هجری به خلافت رسید. (دینوری، ۱۳۸۰: ص ۳۳۳) برادرش سلیمان او را بعد از عمر بن عبدالعزیز به ولایت عهدی برگزیده بود. (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۲۹۷) وی در تاریخ، به فردی اهل عیش و عشرت و خوش گذران و بی لیاقت معرفی شده است. (مسعودی، ۱۳۶۵: ص ۲۴۳).

میزان فشار مامورین مالیاتی به حدی گسترش یافت که سران بنی امیه اعتراضشان بلند شد، لیکن نه تنها اثر بخش نبود بلکه با سرکوبی و زندان مواجه شدند. در این بخش به مستندات و ارجاعات مرتبط بابرخی از مهمترین اقدامات اداری ولید بن عبدالملک پرداخته می شود:

یزید به عمر بن هبیره که عامل عراق بود، فرمانی نوشت که سواد را مساحی کند، او این کار را در سال ۱۰۵ انجام داد. او بر نخل ها و درختان خراج نهاد و بر دهقانان خراج نهاد و کار بدون مزد و هدیه ها و آنچه را در نوروز و مهرگان گرفته می شد، دوباره برقرار کرد. (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۱۲۳). اصلاح سیاست های نظامی: یزید به منظور بهبود امور در حوزه نظامی، از نظام وظیفه استفاده کرد و سیاست های جدیدی را در این زمینه تدوین کرد (مسعودی، ۱۴۱۹: ص ۱۹۸). یزید بن عبدالملک به عمر بن هبیره نوشت که امیرالمؤمنین را در سرزمین عرب نصیبی نیست. به اقطاعات سرکشی کن و آنچه را زائد بر احتیاج است بستان. پس عمر مراجعه می کرد، می پرسید و همه را مساحی می کرد. (بلاذری، ۱۳۷۶: ص ۵۱۲)

ساختار اداری: بی عدالتی های یزید بن عبدالملک به حدی رسید که عده ای از بزرگان و سران بنی امیه نزد وی آمدند و از وی خواستند تا در روش خود تجدید نظر کند؛ ولی عموی یزید؛ یعنی محمد بن مروان بن حکم آنان را گرفت و مدت بیست ماه به زندان افکند و پس از آن به همه آنان سم خوراند و همه آنان کشته شدند. یزید، علاوه بر این که آنان را از بین برد املاک و دارایی های آنان

را نیز تصاحب کرد و فرزندان و زنان آنان مجبور شدند به بیابانها بروند و زندگی مشقت باری را سپری کنند، حتی کسانی را که به آنان کمک کردند نیز، به دار کشیدند. (دینوری، ۱۳۸۰: ص ۳۳۲).

نظام اداری دوره هشام بن عبدالملک

وی موفق شد اوضاع به هم ریخته و نابسامان اداری، سیاسی و حاکمیتی را سامان بخشد. از جمله دستور حفر قنوات و چاه های کشاورزی، شکوفا نمودن صنعت ابریشم و ... به کار گرفت. او تلاش کرد تا جهت افزایش تولید محصولات کشاورزی و دامپروری مشوق هایی مورد نظر قرار گیرد. در ذیل به برخی مستندات و ارجاعات مرتبط اشاره می گردد: هشام بن عبدالملک، (۱۰۵-۱۲۵ ه.ق) توانست اوضاع وخیم حاکمیت را موقتاً آرام کند. اقداماتی نظیر کندن قنات برای آبیاری، حفر چاه در مسیر راه های حج و شکوفا شدن صنعت پارچه ابریشمی و مخملی انجام داد. هشام بن عبدالملک در زمینه ی اوضاع داخلی علویان را تحت نظر داد تا شورش نکنند. (طوقش، ۱۳۸۹، ۸۷). هشام بن عبدالملک از دو نوع مسئول استفاده می کرد: از یک طرف مدیران مستقر در مراکز اداری، که وظیفه آنها مدیریت و نظارت بر فعالیت های مختلف بود، و از طرف دیگر نوع دیگری از مسئولان، به نام "عرفا"، که از مردم محلی بودند و مسئولیت اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی را بر عهده داشتند. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۳: ۳۴۴-۳۴۶)

بنابراین، طبری معتقد بود که هشام بن عبدالملک در نظام اداری خود از مدیران و کارشناسان مستقر در مراکز اداری و از عرفا به عنوان مسئولان محلی استفاده می کرد و برای مقابله با مشکلات مالی و اقتصادی، تغییراتی در نظام مالی و مالیاتی کشور ایجاد کرد.

نظام اداری دوره ولید بن یزید

ولید بن یزید فردی بی بند و بار و عیاش بود در حدود یک سال و چند ماه، حکومت کرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ص ۲۸۹).

آنگاه ولید رهسپار دمشق شد و کارگزاران خود را تعیین کرد. او یوسف بن عمر را بر عراقین و نصر بن سیار را بر خراسان، امارت داد. همچنین یحیی بن سعید انصاری را بر قضاوت مدینه گمارد، عبدالله بن زیاد بن سمعان و سلیمان بن حبیب را قاضی لشکر و اسود بن بلاد را نیز بر نیروهای دریایی گمارد و او را روانه قبرس کرد تا مردم آنجا را برای رفتن به شام یا روم مخیر سازد. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ص ۱۶۹)

اقدامات اداری: ولید در ابتدای خلافت خود با مردم خوش رفتار بود و برای معلولان، جذامیان و نابینایان شامی مقرری و خدمتکار تعیین کرد و دستور داد از خزانه، هدایا و عطر از بیت المال تهیه شود و در اختیار خانواده های مسلمان قرار گیرد. همچنین بر مقرری عموم مردم و آنان که به دیدارش آمده بودند افزود، به ویژه مقرری اهل شام را ده برابر کرد. او نمایندگان مناطق را محترم شمرده به

آنان هدایایی اهدا کرد و به درخواست همگان جوابی درخور داد. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۲۶) او به جایی رسیده بود که در سفر حج سرپرده‌ای را تهیه دیده بود و می‌خواست آن را بر بالای کعبه نهاده در آن‌جا به میگساری پردازد اما یارانش او را از عواقب این کار بر حذر داشته، از این کار منصرف نمودند. (طبری، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۰۹)

یزید بن ولید: وی بلحاظ عملکرد اداری و حکومتی از نظر برخی تاریخنگاران ضعیف، ناکارآمد و فاسد معرفی گردیده است. در ادامه به بررسی عملکرد اداری و حکومتی او در قیاس با سایر خلفای اموی می‌پردازیم: یکی از ایرادات اساسی عملکرد یزید بن ولید، عدم توانایی در کنترل امور مالی و کاهش قدرت اقتصادی دولت بود. او در طول دوره حکومتی خود هزینه‌های بسیاری را برای جلوگیری از مخالفت با خود صرف کرد. (دینوری، ۱۳۸۰، ۳۲۶) از او بعنوان مردی خوشرفتار و نیکروش و عادل یاد شده است (مقدسی، ۱۳۹۸، ج ۴: ۵۳) و بیان شده که او اظهار زهد و ورع و تواضع می‌کرده است. در این دوره، کار بنی‌امیه به شدت پریشان شده، فتنه‌ها علیه این دولت برانگیخته شد (مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۰۰). پس از کشته شدن ولید بن یزید، مردم فلسطین علیه یزید بن ولید به پا خاستند و یزید بن سلیمان را به امارت خویش برگزیدند. (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۹۵). از جمله مهمترین اقدامات صورت پذیرفته اداری وی احیاء نهاد حاجب بود. در ذیل به مطلبی مرتبط از تاریخ نگار شهیر "ابراهیم حسن" اشاره می‌گردد: برای نخستین بار، خلیفه اول اموی حاجب انتخاب کرد؛ حاجب مردم را به حضور خلیفه می‌برد؛ به جز مؤذن نماز و مأمور برید و صاحب الطعام. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۳، ج ۳: ۶۱۲)

نظام اداری دوره مروان بن محمد مروان حمار

دوران خلافت مروان بن محمد دوره بسیار حساسی از حکومت اموی بوده است که در آن شرایط پس از مبارزات علویان و مقابله زید بن علی، نظام حکومتی اموی به شدت تحت فشار قرار گرفته بود. در ادامه به تحلیل عملکرد اداری و حکومتی مروان بن محمد در قیاس با سایر خلفای اموی می‌پردازیم: حسب برخی مصداقها و بالنسبه، می‌توان گفت در شرایطی کلی مروان بن محمد پایبند به قوانین و اصول اداری بوده است.

مروان بن محمد با توجه به موقعیت جغرافیایی امویان، با حمایت از تجارت، درآمدها را افزایش داد. با مرگ مروان خلافت اموی از سرزمین‌های شرقی برچیده شد، گرچه حاکمیت این خاندان متعاقبا در اندلس تداوم یافت. همچنین دیوان محتسب دوره مروان تاسیس شد. حوزه فعالیت و وظایف این دیوان پیرامون اداره امور شهر، تعیین قیمت ها، نظارت بر امور شهر و مجازات محتکران بوده است. نهاد حسبه در صدر اسلام برای اجرای امور حسبه تاسیس شده بود و ابتدا کار آن فقط

محدود به تنظیم بازار می‌شد. اما در دوره مروان دامنه فعالیت‌های آن به تدریج گسترش یافته و تقریباً تمام امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر را در بر گرفته بود. (ابن خلدون، ج ۲، ۱۳۶۶، ۲۰۶) محتسب علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر، بر کار اصناف نظارت داشت. اصناف مورد نظارت محتسب حتی شامل بالاترین مقامات شهر مانند قاضی نیز میشد. هر شهر یک نفر رئیس داشت که شلاقی در دست گرفته، خیابانهای شهر را سرکشی می‌کند. گاهی هم موقع فرارسیدن نماز، مردم را به ضرب شلاق به مساجد می‌فرستد. (زیدان، ۱۹۰، ۱۳۷۲)

نتیجه گیری

آنچه به صورت خلاصه در بخش نتیجه گیری در موضوع نظام اداری دوره امویان قابل طرح است اینکه در این مقاله ضمن مرور نظام اداری دوره امویان، به بررسی تحلیلی دوران سفیانیان و مروانیان و اقدامات مهم اداری و ساختاری در زمینه اداره امور حکومت با بیان تشریحی تحولات و مسائل و موضوعات مربوط به این دوره پرداخته شده است.

در دوران قدرت یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش‌های مختلف ممالک فتح شده، دیوانسالاری گسترش یافت. به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیر عرب و بهره گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی متفاوتی تحول یافت، اما تکامل تشکیلات دیوانسالاری دودمان اموی با موانع متعددی همراه شد. با پیدایش نظام اداری در دوره اموی و تداوم قدرت بنی امیه تا حدود یک قرن و نیز با توجه به تکامل این نظام اداری در دوره بعد از امویان، تحولات مهم و اثربخشی صورت پذیرفت. قدرت سیاسی، امنیت اجتماعی، دگرگونی‌های تمدنی و رفاه اقتصادی که در استمرار بوروکراسی از عوامل تأثیرگذار است، به سبب آشفتگی‌هایی داخلی، کشمکش سیاسی، اختلافات مذهبی و نابرابری اجتماعی که ضعف منابع مالی حکومت را هم به دنبال داشت، تکامل و تداوم نظام اداری متمرکز در خلافت امویان را ناکام گذارد.

سؤال اصلی این پژوهش پیرامون این موضوع بود که "نظام اداری صدر اسلام در عصر اموی چه تحولاتی در برداشته است؟" برای پاسخگویی به این سوال ضمن بررسی و تحلیل مبانی نظام اداری در صدر اسلام به طور مجزا دوران خلافت اموی مورد تحلیل قرارگرفت. همچنین به طور ویژه برای شکل دادن به دستگاه پیچیده کشورداری اسلام آنهم در جریان فتوحات یا بعد از آن، به زیرساخت‌ها و بنیادهایی وسیعتر و تقویت بخش نیز احتیاج مبرم بود. دردوره خلفای راشدین و سپس خلفای اموی اقداماتی برای ایجاد ساختارهای جدید و سر و سامان دادن به امور اداری صورت پذیرفت.

با توجه به روند تحولات اقدامات اداری در دوران امویان باید اذعان نمود که دیوانسالاری به عنوان یکی از نیازمندیهای استمرار ساختار سیاسی حکومت، در تثبیت اقتدار خلافت اموی نقشی کلیدی داشته است. نظام اداری و تشکیلات دیوانی بر ساختار سیاسی تاثیر گذار و ارتباط متقابل با یکدیگر داشتند. در دوران قدرت یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش های مختلف ممالک فتح شده، دیوانسالاری گسترش یافت. به این ترتیب اقتدار سستی امویان با استخدام عناصر غیر عرب و بهره گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی متفاوتی تحول یافت، علی رغم این وضع نظام اداری در دوره اموی تا حدود یک قرن تداوم یافت.

با این حال تکامل تشکیلات دیوانسالاری دودمان اموی که تا حدود یک قرن تداوم یافته بود، با فراز و نشیب های سرنوشت ساز روبرو شد، که در نهایت منجر به فروپاشی این سلسله و روی کار آمدن عباسیان و آغاز روند تحولات دیگری گردید. که در جای خود قابلیت بررسی و کنکاش گسترده دارد.

پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم علیرغم در اختیار بودن آن الگوی ارزشمند و بی نظیر جهان هستی، نظام هایی اداری و حاکمیتی در زمان سه خلیفه اول، ضمن به ظاهر برخورداری از تکامل و پیشرفت هایی که با الگو برداری از دستگاه های اداری ایران و روم حاصل شده بود، تشکیل گردید. لیکن به تدریج از مسیر اصلی و ترسیم شده به وسیله نبی مکرم اسلام منحرف و در زمان عثمان این انحرافات با بازگشت تبار گرایی ها و قبیله پرستی ها و بروز بی عدالتی و تبعیض، به اوج خود رسید. علی علیه السلام در مدت چهار سال و اندی خلافت سعی در انجام اصلاحات گسترده، احیای مجدد سنت رسول الله داشتند که متأسفانه دنیا طلبان تبار گرای وابسته به خاندان بنی امیه موانعی جدی ایجاد نموده و اجازه استمرار سیر اصلاحات را ندادند. امویان اول یا سفیانیان به سردمداری معاویه بن ابوسفیان حاکمیت را به دست گرفته و علناً با قومیت پرستی و موروثی و سلطنتی کردن حاکمیت، روح اخلاص و اندیشه اسلام ناب را از مسیر تحولات اداری و ساختاری تعریف شده نبوی و علوی را سلب کردند. ضمن اینکه تند و کند ها و یا تفاوت هایی در شیوه عملکرد ها و اندیشه ها در برخی خلفا دیده و مورد ثبت و ضبط تاریخ قرار گرفته است. به طور مثال یزید بن معاویه در سه سال و اندی حکومت داری و اجرا، هرسال دست به ایجاد فاجعه ای عظیم و نابخشودنی زد. و در مقابل خلفایی همچون معاویه بن یزید یا به ویژه عمر بن عبدالعزیز با شیوه ای نزدیکتر به سنت نبوی حرکت کردند.

منابع و مآخذ.

- ۱- آریری، آج و دیگران، ۱۳۷۶، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.
- ۲- ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۷۳، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۳، انتشارات جاویدان.
- ۳- ابن اثیر، ۱۳۸۶، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی، تهران، انتشارات علمی.
- ۴- ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد بن علی، ۱۳۷۲، الفتوح، ترجمه محمد حسن مستوفی هروی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- ۵- ابن خلدون، ابوزید، ۱۳۶۶، تاریخ ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن بن درید، ۱۳۸۸، جمهره اللغة، قم، دارکتب.
- ۷- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۳۹۹ق، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، به کوشش علی محمد البجاوی، دارکتب.
- ۸- ابن عبدربه، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، العقد الفريد، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۹- ابن عساکر، علی، ۱۳۷۹، ترجمه الامام زین العابدین، تهران: ارشاد.
- ۱۰- ابن طباطبا، محمد بن علی، الفخری، ۱۳۶۰، ترجمه وحید گلپایگانی، نشر علمی و فرهنگی، تهران.
- ۱۱- ابن قتیبه دینوری، المعارف، ۱۳۷۳، قم، انتشارات شریف الرضی.
- ۱۲- ابن مسکویه، ابوعلی، ۱۳۶۹، تجارب الامم، سروش، تهران.
- ۱۳- برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۶، تاریخ تحول دولت در اسلام. تهران: سمت.
- ۱۴- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۷۶، فتوح البلدان، جلد چهارم، تحقیق و تصحیح سید جلال الدین طیبزاده، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۵۹م، انساب الاشراف، تحقیق: محمد حمید الله، قاهره: دارالمعارف.
- ۱۶- بیات، عزیزالله، ۱۳۸۰، تاریخ ایران از ظهور تا دیالمه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۷- بیهقی، ابوالفضل، ۱۳۵۰، تاریخ بیهقی، تهران: چوگان
- ۱۸- بیگدلی، محسن، بهار ۱۳۹۷، نگاهی گذرا به تاریخ تشکیل و ساختار دولت بنی امیه و علل فروپاشی و انقراض آن، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۵۰.
- ۱۹- پیرگاری، صالح و سکینه خدابخشی کاسگری، پاییز ۱۳۹۵، در بررسی نظام پولی مسلمانان در حجاز و شام از قرن اول تا دوم هجری قمری، تاریخ نو شماره ۱۶.

- ۲۰- ثعالبی، ابو منصور عبدالملک بن محمد، ۱۹۶۳م، تاریخ غرر السیر المعروف بکتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم .به تحقیق مجتبی مینوی .طهران :مکتبه الاسدی.
- ۲۱- جعفریان، رسول، ۱۳۷۲، تاریخ تحول دولت و خلافت از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، قم :مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- ۲۲- جهشیاری، محمد بن عبدوس، ۱۳۵۷ق، کتاب الوزراء و الکتاب. به تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی. قاهره: دار الصاوی.
- ۲۳- دینوری، ابن قتیبه؛ ۱۳۸۰، الامامه و السیاسه، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.
- ۲۴- زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، تاریخ تمدن اسلام، مترجم علی جواهر کلام، تهران :امیر کبیر.
- ۲۵- علی عبدالرزاق مصری، ۱۹۲۵م، الاسلام و اصول الحکم، قاهره، دارالکتاب المصری.
- ۲۶- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۵۲، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار التراث.
- ۲۷- طقوش، محمدسهیل، ۱۳۸۰، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۲۸- قدامه بن جعفر، ۱۳۵۳، الخراج، به کوشش محمدحسین زبیدی، عراق، دارالرشید؛ قرآن کریم.
- ۲۹- قلقشندی، ابوالعباس، ۱۳۷۹، مآثر الاناقه فی معالم الخلافه، عالم الکتاب.
- ۳۰- کلوزنر، کارلا، ۱۳۸۱، دیوان سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه آژند، تهران: امیرکبیر.
- ۳۱- مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۱۹م، مروج الذهب .بیروت :دارالکتب العلمیه.
- ۳۲- مسکویه، ابوعلی مسکویه الرازی، ۱۳۷۹، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران :سروش.
- ۳۳- مقدسی، مطهر بن مطهر؛ ۱۳۹۸، البدء و التاریخ، ج ۴، بور سعید، مکتبه الثقافه الدینیّه.